

بلوک اسفندآباد

درآمدی بر شناخت تاریخ و فرهنگ مردم شهرستان قروه

(جلد اول)

پژوهش و نگارش

محسن صالحی

سرشناسه : صالحی، محسن، ۱۳۴۲-
 عنوان و نام پدیدآور : بلوک اسفندآباد : درآمدی بر شناخت تاریخ و فرهنگ مردم شهرستان قروه / پژوهش و نگارش محسن صالحی
 مشخصات نشر : کرج : محسن صالحی، ۱۳۹۳-
 مشخصات ظاهری : ج ۳ : مصور (بخش رنگی)، نقشه.
 شابک : ۹۶۳-۰۰-۰۴-۶۰۰-۹۷۸
 وضعیت فهرستنویسی : فیبا
 یادداشت : کتابنامه: ص[۶۲]-۷۰.
 یادداشت : نمایه
 عنوان دیگر : درآمدی بر شناخت تاریخ و فرهنگ مردم شهرستان قروه.
 وضعیت : قروه
 رده بندی کنگره : ۱۳۹۰ ص ۲ / DSR ۲۱۱۳
 رده بندی : ۹۵۵ / ۳۵۴
 شماره کتابشناسی : ۳۴۷۵۵

بلوک اسفندآباد (درآمدی بر شناخت تاریخ و فرهنگ مردم شهرستان قروه)، جلد اول.

پژوهش و نگارش: محسن صالحی

تایپ و ویرایش: فاطمه سلحشور

ناشر: مؤلف

لیتوگرافی و چاپ: نقره آبی / معرفت

قطع: وزیری

تاریخ انتشار: تیر ۱۳۹۳

نوبت چاپ: اول

شمارگان: ۱۰۰۰ جلد

قیمت: ۱۹۰۰۰۰ ریال

کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است

عکس روی جلد: تصویر یکی از چهار سنگ‌نبشته به خط میخی که اوایل سال ۱۳۹۰ خورشیدی در نزدیکی روستای چمقلوی شیدا، از توابع شهرستان قروه پیدا شده است.

شخص غیرتمند آن است که نام وطن و ابنای وطن خود را،
نگذارد پایمال روزگار و دست فرسود چرخ کجمدار شود.

« حدیقه ناصری - میرزا علی اکبر وقایع نگار کردستانی »

...این بلوک از سرآباد که در عهد قدیم «قلمرو علی شکر»
نامیده‌اند، در طرف شمالی سنندج، به فاصله دوازده فرسخ واقع و
به خاک همدان متصل است.

« حدیقه ناصری - میرزا شکرالله سنندجی »

...حساب خانوار «قُربه» از یکصد و پنجاه متب و نوزاد است. زبان‌شان
تُرکی است و به لغت کُردی نیز دانا هستند.

«سیرالاکراد - عبدالقادر رستم بابانی»

مست قُوروه اُولدوم اَچدم شرابه
چشمه‌ی حکمتن دُولدور دُم قابه
« شعر ترکی »

چرا دلی عزم دیار خود باشم
چرا نه خاک، نه کمری یار خود باشم
غم غریبی من است چو بر نمی تابم
به شهر خود روم و شهر یار خود باشم
ز محرمات سراپا و سال شوم
ز بندگان خداوندگار خود باشم
چو کار عمر نه پیدا است باری آید
که روز واقعه پیش نگار خود باشم

« حافظ »

تقدیم به :

- ارواح پاک شهیدان سرافراز شهرستان قروه که بیرق حق طلبی، آزاداندیشی، عدالت خواهی و وطن دوستی را برای همیشه تاریخ، بر بام این سرزمین به اهتزاز درآوردند.

- نیاکان درگذشته نگار از این قوم که بانگ آوازشان همواره از گلستان معنی به گوش می‌رسد و در جای جای این دیار محبوب، طنین انداز است.

- مردم نودوست و پاک هستند. لقه اعم از ترک، کرد و فارس که نمونه اعلای انسانیت، بزرگواری و گذشت و صداکاری هستند و همیشه به صلح و صفا می‌اندیشند.

- (مرحوم) پدر عزیز و مادر ارجمندم که در دامان پر مهر و عطوفت خویش با زمزمه درس‌های زندگی در گوش جانم، به من آموختند، شما دو دارم را نیز دوست دارم.

- همسر گرامی و فرزندان دلبندم که با کمک و همراهی و محبت و بهریزی، تحمل رنج‌ها و مشقات این تحقیق را بر من آسان ساختند.

سپاس نامه

فصل دوم آمین این اثر، در وهله نخست، حاصل فضل و عنایت حضرت حق تعالی بر این بنده کمتیج به عنوان شاگردی کوچک در محضر بزرگان علم و ادب این سرزمین و در مرتبه بعد نتیجه همفکری و همدلی اساتید و صاحب نظران ارجمند دانشگاهی در سطح کشور، اندیشمندان، آگاهان، کارشناسان و مسئولان علمی و منطقه‌ای و همه عزیزانی است که دست یاری فقیر را به گرمی فشردند و با ارائه اماکن، نظرات ارزشمند و راهنمایی‌های حکیمانه و مشفقانه خود، گشایش و پیمایش این راه سخت را برای من ممکن و میسر ساختند و از این رهگذر علاقمندان و مشتاقان شناخت تاریخ و فرهنگ قزوین به سوی افق‌های جدیدی از دانش و بینش، رهنمون شدند.

بی‌تردید نام و یاد این فرهنگان در «دانشوران» و «صحیفه تاریخ و فرهنگ ایران زمین» و به‌ویژه «دفتر ایام قروه» که زنگارهای غربت را تا به یاد بادی از چهره زیبا و سیمای زرین آن زدودند، ثبت و ضبط خواهد شد. بر همین اساس، وظیفه خاص من در دیباچه این دفتر، مراتب سپاس و امتنان قلبی خود را به پیشگاه تمامی سروران ارجمند که صادقانه و صمیمانه مرا در اجرای این طرح پژوهشی، یاری کردند، تقدیم دارم و از درگاه خداوند تراخ به شما، مهربان، برای زندگان از این قوم، سلامتی و طول عمر و برای درگذشتگان آنها، رحمت و رضوان الهی، البکم.

از آنجا که در بخش‌ها و فصول مختلف کتاب به اقتضای موضوع مطلب، نام این اساتید و بزرگواران آورده شده است، به لحاظ فزونی شمار افراد و زیادت اسامی از بردن نام یکایک آنان در اینجا معذورم و امیدوارم خداوند، توفیق کسب علم و ادب و نکته‌آموزی محضر بزرگان را همواره نصیب پویندگان وادی عشق و ایمان و معرفت سازد.



فصل‌بندی کلی مطالب کتاب

الف - جلد اول:

مقدمه

- فصل اول - مسیر و منابع قروه‌شناسی
- فصل دوم - مقام و موقعیت جغرافیایی قروه
- فصل سوم - ساختار اجتماعی و اقتصادی قروه
- فصل چهارم - معنا و مفهوم مکان‌واژه قروه
- فصل پنجم - پیشینه تاریخی قروه
- فصل ششم - توپوگرافی و تکوین قروه
- ب - مجلدات بعدی:

- فصل هفتم - تحولات اداری و سیاسی قروه
- فصل هشتم - مؤسسات و مسووعات جدید در قروه
- فصل نهم - وقایع و حوادث تاریخی قروه
- فصل دهم - فرهنگ و آداب و رسوم مردم قروه
- فصل یازدهم - جاذبه‌های تاریخی و طبیعی قروه
- فصل دوازدهم - ستایش سرزمین و ساکنان قروه

فهرست تفصیلی مطالب جلد اول

صفحه	عنوان
۱-۱۰	مقدمه
۱۱-۷۴	فصل اول: مبانی و منابع قروه‌شناسی
۱۳	۱. قروه در محافل حنفی
۱۴	۱-۱. سستی اصول فقهی
۱۵	۱-۲. غرض‌ورزی همان عصر
۱۸	۱-۳. سکوت مورخان مذهبی
۱۹	۱-۴. دوری از متن تحولات
۲۱	۱-۵. مصادره وقایع و شخصیت‌ها
۲۲	۲. روش‌شناسی پژوهش
۲۸	۳. منابع اصلی پژوهش
۲۸	۳-۱. منابع مکتوب قدیمی
۴۲	۳-۲. منابع مکتوب جدید
۵۰	۳-۳. منابع شفاهی
۵۱	۴. پالایش و پردازش اطلاعات
۵۲	۵. ابعاد و اجزای پژوهش
۵۳	۵-۱. عنوان کتاب
۵۶	۵-۲. موضوع‌ها و مباحث اصلی

۶. محدودیت‌ها و مشکلات پژوهش	۵۹
پی‌نوشت‌ها	۶۴
فصل دوم - مقام و موقعیت جغرافیایی قروه	۷۵-۸۱۰
۱. موقعیت و وسعت	۷۷
۲. آب و هوا	۷۹
۳. زمین‌شناسی	۸۳
۴. کوه‌ها، دشته‌ها	۸۴
۵. منابع آبی	۸۸
۶. پوشش گیاهی	۹۷
۷. زندگی جانوری	۱۰۰
پی‌نوشت‌ها	۱۰۶
فصل سوم - ساختار اجتماعی و اقتصادی قروه	۱۱۱-۱۷۴
۱. ویژگی‌های اجتماعی	۱۱۴
۱-۱. اطلاعات جمعیتی	۱۱۴
۱-۲. قوم و نژاد	۱۲۲
۱-۳. زبان و گویش	۱۳۱
۱-۴. دین و مذهب	۱۳۶
۱-۵. مسکن و پوشاک	۱۳۸
۲. ویژگی‌های اقتصادی	۱۴۷
۲-۱. اقتصاد کشاورزی	۱۵۰
۲-۲. وضعیت مالکیت زمین‌ها	۱۵۱
۲-۳. تولیدات کشاورزی	۱۵۴
۲-۴. صنایع	۱۵۷

.....	۲-۵. معادن	۱۵۹
.....	۵-۲-۱. سنگ‌های تزئینی	۱۶۰
.....	۵-۲-۲. پومیس	۱۶۵
.....	۵-۲-۳. معدن طلا	۱۶۶
.....	۵-۲-۴. سنگ‌آهن	۱۶۹
.....	پیوسته ها	۱۷۱
.....	فصل چهارم - اسما و مفهوم مکان واژه قروه	۱۷۵-۲۱۰
.....	۱. معنای وجه قروه	۱۷۷
.....	۲. قروه در کتب تاریخی و نامه‌ها	۱۷۸
.....	۳. دیدگاه‌های اصلی درباره معنای قروه	۱۸۳
.....	۳-۱. روایت پارسی کهن	۱۸۴
.....	۳-۲. روایت پارسی میانه	۱۸۷
.....	۳-۳. روایت عربی	۱۹۰
.....	۳-۴. روایت کردی	۱۹۴
.....	۳-۵. روایت ترکی	۱۹۷
.....	۴. روایت‌های پراکنده در باره معنای قروه	۲۰۳
.....	پی‌نوشت‌ها	۲۰۷
.....	فصل پنجم - ریشه و پیشینه تاریخی قروه	۲۱۱-۲۶۸
.....	۱. قروه، منطقه باستانی ناشناخته	۲۱۳
.....	۲. قروه در قلمرو شهرهای تاریخی	۲۲۰
.....	۲-۱. هگمتانه	۲۲۰
.....	۲-۲. دینور	۲۲۲
.....	۲-۳. سیسر	۲۲۴

۲۲۶	۳. آثار تمدن زردشتی در قروه
۲۲۷	۳-۱. کاریزها
۲۲۸	۳-۲. خمره‌ها
۲۲۹	۳-۳. آب‌بندها
۲۳۰	۳-۴. مقابر
۲۳۱	۴. آثار قبیله‌ای و اسلامی
۲۳۲	۵. برخی وسایل کهن منطقه
۲۳۴	۵-۱. قصدها
۲۳۶	۵-۲. قلعه
۲۴۰	۵-۳. سریش‌آباد
۲۴۴	۵-۴. میهم
۲۴۸	۶. جایگاه قروه در جغرافیای تاریخی ایران
۲۴۹	۶-۱. سرزمین ماد
۲۵۰	۶-۲. ایالت جبال
۲۵۲	۶-۳. کوره دینور
۲۵۳	۶-۴. کردستان
۲۵۴	۶-۵. قلمرو علی‌شکر
۲۵۷	۶-۶. کردستان سنه
۲۵۹	۶-۷. اسفندآباد
۲۶۵	پی‌نوشت‌ها
۳۲۴-۳۶۹	فصل ششم - روند توسعه و تکوین قروه
۲۷۲	۱. سکونتگاه ابتدایی قروه‌ای‌ها
۲۷۲	۱-۱. سراب

۲۷۴	۱-۲. محله بالا
۲۷۷	۱-۳. نزدیک امامزاده‌ها
۲۸۰	۱. روایت‌ها در باره بنیانگذاری قروه
۲۸۱	۲. چگونگی کشف مدفن امامزاده‌ها
۲۸۳	۲-۲. واقعه حمل سنگ پهلوان قروه‌ای
۲۸۴	۲.۲.۱. زمانی تاریخی به کدخدای قروه
۲۸۸	۲-۴. نوشتار دیگر در این باب
۲۹۳	۳. تصویری از کالاهای قروه قدیم
۳۰۲	۴. سرآغاز عمران شهری
۳۰۶	۵. عوامل مؤثر در توسعه شهر قروه
۳۰۷	۵-۱. موقعیت جغرافیایی
۳۰۸	۵-۲. مرکزیت اداری
۳۰۹	۵-۳. منابع اقتصادی
۳۱۰	۵-۴. افزونی جمعیت
۳۱۱	۵-۵. ثبات و امنیت
۳۱۱	۵-۶. جایگاه تجاری
۳۱۳	۵-۷. امکانات آموزشی و درمانی
۳۱۴	۵-۸. خصوصیات فرهنگی و اجتماعی
۳۱۷	پی‌نوشت‌ها
۳۲۵	معرفی منابع و مآخذ
۳۳۴	نمایه‌ها

مقدمه

هر شهر و دیار در باسرای این دنیای بزرگ، برای خود شناسنامه و سرگذشتی دارد که تاریخ و فرهنگ مردم و ساکنان آن از دوران‌های گذشته تا به امروز در آن منقول و مندرج است؛ با این تفاوت که تعداد کمی از این هزارن آثار نقطه شهری و روستایی در کشورهای مختلف جهان، دارای شناسنامه و سرگذشت محلی می‌باشد که خدمت نویسندگان و پژوهشگران است و برگه‌های هویت و اوراق شناسایی بسیاری از این مراکز حیات شهری و کانون‌های زندگی اجتماعی. همچنان نانوشته و ناگفته باقی مانده و چه بسا آثار و مدارک ارزشمندی از بین رفته است. با این حال باید گفت تلاش برای تدوین تاریخ و فرهنگ ملت‌ها و سرزمین‌ها و تقسیم شناسنامه شهرها و آبادی‌ها، اکنون به جریان قدرتمندی در عرصه پژوهش‌های اجتماعی و فرهنگی تبدیل شده است که آثار مبارک و میمون آن را می‌توانیم در داخل کشور و مناطق و نواحی مختلف میهن عزیزمان ایران نیز، مشاهده کنیم.

این جانب از دوران نوجوانی بر حسب عشق و علاقه‌ای که به یادگار و سرزمین مألوف و محبوب پدری و مادری خود داشتم، با شور و شوق فراوانی در پی کسب تاریخ، سرگذشت و سابقه و پیشینه تاریخی و فرهنگی موطن خود بودم اما هر چه بیشتر در این زمینه به کاوش و جستجو می‌پرداختم، کمتر نتیجه می‌گرفتم و گرد یأس و ناامیدی بیشتری بر ذهن و جانم می‌نشاند. بارها جوابی درخور و شایسته برای ارضای حس کنجکاوی و حقیقت‌جویی خود نمی‌گرفتم و پاسخی مناسب منطقی برای فرونشاندن عطش دانستن در باره سرزمینی که در آن، پای به عالم هستی گذاشته بودم، نمی‌یافتم. علت اصلی آن هم روشن بود؛ چون اثر مکتوبی در این باره وجود نداشت.

مدتی در انتظار نشستم تا کسی از اهالی فرهنگ و فردی از فرزندان این دیار، قدم به این عرصه دشوار بگذارد و با قلم خود، شرحی از سرگذشت شهر و دیار و روایتی از زندگی مردم زادگاهم را در دسترس علاقمندانی چون من قرار دهد که دیدم خبری نیست و ناگزیر خود با بضاعت بسیار اندک و ناچیزی که داشتم و دارم، وارد این میدان بزرگ و سترگ شدم و از همان ابتدای کار، با اتکای به لطف بی‌پایان الهی و تلاش خستگی‌ناپذیر خویش، چشم یاری به زبان و قلم مردم فرهنگ‌دوست و

ادب‌پرور منطقه و اساتید و صاحب‌نظران تاریخ و فرهنگ کشور دوختم و به شکر خدا توانستم با همکاری و همراهی دیگران، در این وادی تاریک، گام‌هایی هر چند کوچک بردارم و کورسویی از نور معرفت و آگاهی در پیش پای مشتاقان پیمودن این راه بیافشانم.

در زمان با آغاز جستجو و کنکاش در منابع مکتوب، به نظرخواهی از محضر برخی از اساتید و بزرگان تاریخ و فرهنگ کشور و صاحب‌نظران و آگاهان محلی پرداختم تا اطلاعات مکتوب و شفاهی موجود در این زمینه را گردآوری کنم و پس از تصفیه و پالایش و غربال عقلی و نقلی آنها، روایتی کوتاه از سب‌گذشت تاریخ و فرهنگی سرزمین پدری و مادری خود را در اختیار فرزندان این دیار، قرار دهم.

آنچه که اکنون پیش روی خوانندگان گرامی قرار دارد، ثمره و حاصل این کوشش مستمر و تلاش بی‌اجر و منت است که حدود بیست سال، با فراز و فرودهای بسیار، به درازا کشیده است. در این مدت طولانی و توانفرسا، خود بررسی محسوب می‌شود، این موضوع در کنار انجام خدمات دولتی و سایر فعالیت‌های پژوهشی در قانون مجتهد و تأمل این جانب قرار داشته و پرداختن به آن در شمار دغدغه‌های اصلی زندگی‌ام بوده است. البته آنچه که در این راه و به منظور تحقق این هدف مقدس و متعالی، عاشقانه و صادقانه از جاذبه‌های علمی و انوار گمراه‌کننده موقعیت‌های شغلی و مدارج تحصیلی و مواهب مادی و منافع شخصی زیاده‌بار عبور کرده‌ام. البته اگر ظرف این سال‌ها، فراغ بال بیشتری می‌داشتم و غم نان و آب و غصه خفگی حاد، گریبانم را رها می‌ساخت، بسیار زودتر از زمان حاضر، طرح شناخت و تدوین تاریخ و فرهنگ قروه سرسبز سامان می‌یافت و نتایج آن در دسترس علاقمندان قرار می‌گرفت.

به هر حال، انتشار این کار پژوهشی به عنوان نخستین اثر مربوط به پژوهش‌های قروه‌شناسی با همه نقایص و کاستی‌هایش که بدان معترفم و لغزش‌ها و خطاهای احتمالی رویداد مهم و اتفاق مبارکی است که راه را برای عرضه و ارائه آثار تحقیقی و تألیفی جدید در این حوزه پدید علم می‌گشاید و پژوهشگران و محققان و نویسندگان جوان منطقه و کشور، می‌توانند با الهام از این منبع و پدیدآوردن منابع جدید، رشته جدید قروه‌شناسی را در پهنه مطالعات فرهنگی و تاریخی مناطق و نواحی مختلف ایران، غنا و قوام بیشتری بخشند.

باری نگارنده در این اثر پژوهشی، کوشیده است تا حداقل به دو سؤال مهم که همواره از دغدغه‌های ذهنی و فکری خود او و شاید دیگر همسالان و هم‌عصران و نسل‌های قدیم و جدید قروه و اهالی فرهنگ‌دوست منطقه باشد، پاسخ گوید و البته سئوالات و پرسش‌های جدیدی نیز برای ادامه

روند قروه پژوهی، در اذهان و افکار پژوهشگران پدید آورد. اما دو سؤال کلیدی و اساسی که سعی شده در این پژوهش در حد امکان به آنها پاسخ داده شود، عبارتند از:

۱. جایگاه قروه در تاریخ ایران به طور اعم و تاریخ منطقه به معنی اخص کجاست؟
۲. مردم قروه چه بار فرهنگی را در میان سایر اقوام و گروه‌های اجتماعی این سرزمین کهن بر دوش دارند که باید آن را به نسل‌های بعدی انتقال دهند؟

به بیان دیگر شناسایی و تعیین جایگاه و سهم قروه و مردمان آن در پویش و بالندگی تاریخ و فرهنگ ایران زمینه‌ساز پیش‌کلیدی است که این پژوهش در مقام پاسخگویی به آن پدید آمده است. البته در حیطه پاسخگویی به این دو سؤال، اطلاعات و یافته‌های تحقیقی دیگری نیز متناسب با موضوعات و سربس‌ها، غالب در حوزه‌های مختلفی چون جغرافیای طبیعی، انسانی، اقتصادی و سیاسی ارائه و مطرح می‌شود. در این پژوهش، موضوعات فرعی به سؤالات و پرسش‌های دیگری نیز پاسخ داده شده است؛ به گونه‌ای که خواننده با خواندن آنها، شاید احساس کند چیزی بر دانش قروه‌شناسی و افزوده خواهد شد.

قضاوت و داوری در باره میزان موفقیت این پژوهش در دستیابی به اهداف تعیین شده بر عهده خوانندگان گرامی و اهل نقد و نظر است. کار هر گونه پیشداوری، به بررسی اعتبار علمی و ارزش عقلی و نقلی این اثر پژوهشی بپردازد و ضابط قوت و ضعف آن را به شکلی مستند و منصفانه بازگویند و ارزش‌های آن را نمایان سازند. نگارنده ادعایی برای آن راه که توانسته است حتی به صورت ناقص و ناتمام، به این دو سؤال اساسی پاسخ گوید، ندارد و اگر نتوانسته باشد با ارائه این شناخت مقدماتی و روایت کوتاه، بذری و جوانه سؤالات علمی و پرسش‌های روشنفکرانه جدیدی را در ذهن و جان علاقمندان به حوزه قروه‌شناسی بکارد و بنشانند، به طور قطع جیره نفع و یاداش تحقیق خود را دریافت کرده است.

اما این پژوهش به چه کار می‌آید و فواید آن چیست و آثار مثبت و نتایج مستند آن در کجاها باید دید و جستجو کرد؟ در وهله نخست باید گفت این اثر، قروه را در زمره شهرهای صاحب شناسنامه و دارای اوراق هویت تاریخی و فرهنگی کشور قرار می‌دهد؛ هر چند که تمام اطلاعات مورد نیاز برای شناسایی هویت قروه در این دفتر، ثبت و ضبط نشده باشد. در مرتبه بعدی، این کتاب، منبعی برای شناخت سرزمین قروه و ساکنان آن است و اطلاعاتی در باره جغرافیای طبیعی و انسانی و اقتصادی قروه و ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی و حوادث و وقایع تاریخی و سیاسی این خطه از ایران بزرگ، در اختیار علاقمندان قرار می‌دهد. فایده دیگر این اثر تحقیقی، فرونشاندن یا حداقل تخفیف و تعدیل

بحران هویت قومی و اجتماعی است که امروزه گریبانگیر نسل‌های جوان و جدید قروه شده است. آنجا که نمی‌دانند کیستند و شهر و دیارشان کجاست و نیاکان و درگذشتگان‌شان چه سرمایه فرهنگی و معنوی برای آنان به یادگار گذاشته‌اند و آنها نیز ضمن پاسداشت راه و رسم پیشینیان خود، باید کدام ارمان فکری و سوغات اخلاقی را به نسل‌های بعدی و آیندگان تقدیم دارند و چه ثروت و دارایی مادی - معنوی را بر میراث بر جای مانده از پدران و مادران خود بیفزایند؟

نظامی‌رشد، این اثر همچنان که مسیر را برای تحقیقات و مطالعات بیشتر و عمیق‌تر در عرصه قروه‌شناسی تاریخی - فرهنگی می‌گشاید، از سوی دیگر، راه را بر رهنمان فرهنگ و هنر مردم منطقه می‌بندد و قومیت‌گرایان -راطی را که در صدد ارائه تعریفی جعلی و هویتی ساختگی از سرگذشت قروه و راه و رسم زندگی مردم این ناحیه هستند، با موانع و محدودیت‌ها و حفاظ‌ها و حصارهای محکم و نفوذناپذیری روبرو می‌کند. از چنان‌که این‌گونه افراد دیگر نمی‌توانند به راحتی، جنس بدلی و متاع دروغین خود را در بازار افکار و اندیشه‌های اصیل و واقعی مردم منطقه، به معرض فروش و داد و ستد بگذارند؛ چون خیلی زود دست و زبان‌ها می‌شود و پرده و نقاب فریب و ریا از چهره واقعی آنها فرو می‌افتد. روشن‌تر سخن بگوییم؛ این‌ها سره، کسی که مسئولیت‌گذاری در پایگاه‌های اینترنتی داشته باشد و سری به تارنماهای دنیای مجازی بزند، به جنگ و جدال بیهوده‌ای میان قومیت‌گرایان افراطی اعم از ترک و کرد - البته با هدایت - تشویق عامل خارجی - در جریان است که سعی می‌کنند قروه را متعلق به آذربایجان یا کردستان روایین و جعلی خود معرفی کنند. اما حاملان و ناشران این اندیشه‌ها و گرایش‌های ضدملی باید بدانند که هیچ‌کس از آذربایجان و کردستان مناطقی جدایی‌ناپذیر از پیکره ایران متحد و یکپارچه و بزرگ و سرافراز هست، قوه نیز قبل و بعد از هر چیز «قروه ایران» است و برای همیشه، فرزند وفادار مام میهن باقی خواهد ماند.

پیوند میان گذشته تاریخی و فرهنگی قروه با وضعیت اجتماعی و اقتصادی امروز این دیار، از دیگر برکات و آثار سودمند این اثر پژوهشی است. به نظر می‌رسد پدید آمدن این کتاب می‌تواند به مثابه پلی ارتباطی، نسل‌های امروز جامعه قروه را با توجه به ساختار متنوع و ترکیب چندزبانی، مذهبی، فرهنگی و اجتماعی که از آن برخوردار است، با ویژگی‌های تاریخی این منطقه مرتبط و متصل سازد و در پی‌ریزی شالوده‌های محکم و ایجاد زیرساخت‌های قوی برای همزیستی و وحدت ملی و اسلامی مردم منطقه و پیشبرد برنامه‌های توسعه همه‌جانبه این شهرستان، مؤثر واقع شود.

علاوه بر این موارد، این کتاب به مثابه راهنمایی مفید برای گردشگران ایرانی و خارجی است که دوست دارند به این سرزمین سفر کنند و از نزدیک با جاذبه‌های تاریخی و طبیعی قروه و روحیات و

خصائل مردمان و ساکنان آن آشنا شوند. جلوه‌های زیبای زندگی اجتماعی و مناظر شگفت‌انگیز طبیعت قروه همچون آثار و ابنیه طبیعی و تاریخی و ویژگی‌های مردم‌شناختی دیگر شهرها و مناطق استان کردستان، در اطلس تاریخی و فرهنگی و قاموس زیبایی‌های طبیعی و انسانی ایران، همچنان گمنام و ناشناخته باقی مانده است و امید آن که این کتاب راه‌های فکری و ذهنی منتهی به قروه را، در کنار سایر مسیرها، به روی گردشگران داخلی و خارجی بگشاید و آنان را برای آمدن و دیدن آثار طبیعی و تاریخی و فرهنگی منطقه، بیشتر تشویق و ترغیب کند.

این کتاب همچنین به عنوان سندی فرهنگی و اقتصادی و اجتماعی، می‌تواند رهنمودی برای مدیران، مسئولان و مالک‌های تصمیم‌گیرنده استان کردستان و شهرستان قروه باشد تا با دیدگاه و چشم‌اندازی تاریخی و فرهنگی به استعدادهای و ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی منطقه را در فرآیند سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی و اجرای طرح‌ها و برنامه‌های محلی مورد توجه و ملاحظه قرار دهد و در تحقق هدف توسعه پایدار و پیشرفت توسعه و پیشرفت همه‌جانبه این شهرستان، با موفقیت و کامیابی بیشتری روبرو شوند و با موارد توسعه اجتماعی و اقتصادی قروه، در راستای تقویت هویت تاریخی و فرهنگی این سرزمین، گام‌های مثبتی بردارند.

و سرانجام اینکه، اثر پژوهشی حاضر، گناهی از خاک پاک قروه است. نامه‌ای است به نیاکان و درگذشتگان از این قوم که چشم انتظار فرارسیدن چنین روزی بودند. مردمان پاک‌نهادی که دهه‌ها و بلکه قرن‌ها پیش، در این سرزمین محبوب، به دنیا آمدند و بزرگ شدند و زیستن در هوا و فضای دل‌انگیز آن را تجربه کردند. مراتب، سختی‌ها، زحمات و زحمات بسیاری را تحمل کردند و با ارائه خدمات صادقانه و خالصانه، در جهت اعتلای مقام انسان و انسانیت و بلندآوازه ساختن نام قروه، کوشیدند؛ تا جایی که خوبی و خوشنامی امروز قروه، حاصل فداکاری و خون‌ریزی خوردن‌های دیروز آنان است و اما اکنون این عزیزان و بزرگواران، روی در خاک نهان شده و در قطعه کوچکی از مزارآباد بی‌تپش شهر و دیارمان، آرام و ساکت، خفته و غنوده‌اند. به عبارت دیگر می‌توان گفت این کتاب، شرحی از احوالات خانوادگی و سرزمین مادری، نیاکان، بزرگان و درگذشتگان همه اهالی منطقه است و امیدوارم این اثر، روح و روان نیاکان و پدران و مادران مردم و ساکنان امروز این دیار را نیز خوشحال و خشنود سازد.

نکته‌ای که ذکر آن در پیش‌درآمد کتاب ضروری است و لازم است خوانندگان محترم حتماً به آن توجه کنند این است که نقطه کانونی و مرکزی این اثر پژوهشی، همچنان که از عنوان آن بر می‌آید، بحث و بررسی پیرامون تاریخ و فرهنگ مردم قروه در محدوده قدیمی «بلوک اسفندآباد» است

که در چارچوب تقسیمات اداری دوره قاجار و ادوار پیش از آن، بیشتر ناظر به محدوده جغرافیایی بخش مرکزی شهرستان قروه امروزی بوده است. بر این اساس روشن است که نگارنده، هیچگونه ادعایی در خصوص اینکه این اثر، بیانگر تاریخ و ترجمان فرهنگ همه مردم شریف و ساکنان محترم شهرستان قروه به‌ویژه مناطق کردنشین آن و حتی برخی شهرها و روستاهای ترک‌نشین این منطقه است، ندارد و همین جا اعلام می‌کند، این طرح مطالعاتی بر محدوده تاریخی و فرهنگی بلوک اسفندباد متمرکز است و در میان مناطق مختلف این حوزه نیز، بیشترین توجه، تعمیق و تتبع بر روی شهر قروه و با نگرش به دوران گذشته این شهر، انجام گرفته است و اگر در بخش‌هایی از کتاب، به صورت جسسه و تاریخی، مسائل و موضوعاتی خارج از این حوزه اشاره شده، از باب پیوستگی تاریخی و فرهنگی این مناطق با یکدیگر و به اقتضای اهمیت و ارتباط موضوعی مباحث، بوده است.

این‌جانب با اذعان به اهداف به ضاعت علمی اندک خود، اعتقاد دارم هر آبادی و روستای دورافتاده‌ای در این منطقه، سوره‌های تاریخی و فرهنگ مستقل و ارزشمندی است؛ تا چه رسد به نقاط شهری و بخش‌های بزرگ شهرستان قروه و سایر مناطق استان کردستان که دنیایی از اطلاعات و آگاهی‌ها، باورها و عقاید و ارزش‌ها، اخلاقی و معنوی، سنن و آداب و رسوم و وقایع و اتفاقات مهم را در سینه پر رمز و راز خود، نهفته و مکتوم دارند. این است انتشار این اثر، انگیزه‌ای باشد تا صاحبان قلم و دانش و اربابان علم و فضیلت، در میان اهالی این مناطق، برای تدوین تاریخ و فرهنگ سرزمین مادری خود و مکتوب ساختن ادبیات مردم شهر و روستای زادگاهشان، به پا خیزند و در این مسیر گام‌های بلندی بردارند.

مطلب قابل ذکر دیگر این است که در شرح و بازگویی حرمات و منابع تاریخی منطقه، سعی شده رویدادها آن‌گونه که اتفاق افتاده است، در چارچوب نگرشی علمی و تاریخی و با اتکا به اسناد و مدارک موجود روایت شود. به همین دلیل، انتظار می‌رود خوانندگان گرامی نیز با نگرش تاریخی یا رخداد سیاسی و اجتماعی مورد بحث در این کتاب را (جلد دوم) در همان ظرف زمانی مکانی و بستر فرهنگی خاص خود ببینند و بسنجند و شرایطی را که اکنون خود در آن قرار دارند، برای بررسی و ارزیابی موضوع قرار ندهند. زیرا واقع‌گرایی علم تاریخ به ما می‌آموزد، آنچه را که در زمان‌های گذشته و دوران‌های قبل، در منطقه روی داده یا اتفاق افتاده است، تنها با اتکا به اسناد و مدارک و شواهد و قرائن و به همان شکلی که بوده است، گزارش کنیم و یافته‌های خود را در اختیار نسل‌های حال و آینده این سرزمین قرار دهیم. بنابر این، در روایت و گزارش وقایع و حوادث تاریخی جز شرح و بیان واقعیت، قصد و منظور دیگری در کار نبوده است و هر گونه برداشت دیگری از این مباحث، فاصله

گرفتن اثر واقعیت‌ها و دور شدن از انگیزه‌ها و اهداف علمی و پژوهشی نگارنده است. با این حال، روایی که در اینجا، از وقایع و رویدادها و اتفاقات تاریخی ارائه می‌شود، قابل نقد و بررسی است و راقم این سطور از دیدگاه‌های انتقادی که به شیوه علمی و منطقی ابراز شود، صمیمانه استقبال می‌کند؛ زیرا معتقد است به همان اندازه که یک نویسنده از حق مطرح ساختن دیدگاه‌ها و نظرات خود برخوردار است، خواننده نیز در رد یا پذیرش آنها، صاحب اختیار و آزاد می‌باشد.

موضوع برخی بر اساس پیشداوری‌های مبتنی بر ملاحظات قوم‌مدارانه، بخواهند به زعم و ظن خویش. اینس و اعتماد علمی این اثر پژوهشی را خدشه‌دار کنند و نگارنده را وابسته به جریان‌های فکری، قومی و مذهبی خاصی معرفی نمایند. به همین علت مایلیم در سرآغاز کتاب، نظر و دیدگاه خود را در این باره به وضوح بیان کنیم. به نظر این جانب، یکی از خطراتی که وحدت و همسنگی ملی و استقلال و تمامیت ارضی کشور همواره در مقابل رنج تهدید کرده است، روحیه و منش قومیت‌گرایی افراطی است. در سده‌های اخیر، امروز جامعه ایران نیز، از سوی قدرت‌های خارجی و دشمنانی که چشم دیدن ایران بزرگ و سرنمزدار ندارند، به شک سازمان‌یافته و برنامه‌ریزی شدیدی، در مناطق مختلف کشور، دامن زده می‌شود. این خطرات خطای در نظر و عمل، در عرصه پژوهش‌های فرهنگی و تاریخی نیز از جمله آفت‌های بزرگ کشور می‌آید که ساخت کارهای علمی را به لوث وجود ناپاک خود، آلوده می‌سازد.

چنین بینش و گرایشی بی‌شک نه تنها ضدایرانی و ضداسلامی بلکه ضدانسانی است زیرا قومیت‌گرایی افراطی چه در میان فارس‌ها و ترک‌ها و کُردها و نزد عرب‌ها و بلوچ‌ها و سایر اقوام ایرانی و حتی مردم سایر کشورها دیده شود، به معنای این است که هر گروه و نژادی، ارزش‌های قومی خود را مطلق و کامل بیانگارد و برای سایر ملل، اقوام و گروه‌ها هیچ حق و ارزشی قائل نشود یا آنها را فرودست قوم خود تلقی کند. طبیعی است این طرز تفکر و برخورد ناصواب می‌تواند زایشگاه و پرورشگاه اعمال ضدانسانی و ضداخلاقی زیادی باشد که جوامع بشری را در معرض مختلف، از آثار و عوارض منقّی و مخرب ناشی از القا و ابراز چنین دیدگاه‌ها و گرایش‌هایی، در معرض عذاب بوده‌اند. این‌گونه باورها و عقاید وقتی وارد عرصه تاریخ‌نگاری و فرهنگ‌پژوهی می‌شود، بر اساس همان دیدگاه مطلق‌انگاری ارزش‌های قومی، سعی می‌کند وقایع و تحولات تاریخی و سنن و آداب و رسوم اجتماعی، دانش‌ها و ارزش‌ها و دیگر آثار و دستاوردهای تمدن بشری را به شکلی نژادپرستانه و قوم‌محور، تفسیر و توصیف کند و به عبارت دیگر در چارچوب عصبیت‌ها و جزمیت‌های قومی و نژادی، به تحریف تاریخ و وارونه نشان‌دادن واقعیت‌ها بپردازد و پدیده‌ها را نه آن‌گونه که

هستند بلکه آن گونه که دوست دارد و می خواهد باشند، می بیند و به دیگران نشان می دهد. اما بر این کار، نامی جز خیانت در گزارش تاریخ و خطای در روایت فرهنگ نمی توان نهاد.

این جانب نسبتی با این دیدگاه و تفکر ندارم و ترویج چنین گرایش ها و عقایدی را مغایر با نگرش علمی به پدیده ها و مخالف با منافع ملی و ارزش های حیاتی جامعه ایرانی و بالاتر از آن در تضاد آشکار با آموزه های دینی و اعتقادی و ارزش های انسانی و اخلاقی در سطح جهان تلقی می کنم. برای تبیین اهمیت موضوع به کلام الهی متوسل می شوم. آنجا که خداوند کریم در آیه ۱۳ از سوره مبارکه حجران در قرآن کریم می فرماید: «هان ای مردم! همانا ما شما را از یک مرد و یک زن آفریده ایم و شما را به بیات خواب میلی درآورده ایم تا با یکدیگر انس و آشنایی یابید، بی گمان گرامی ترین شما در نزد خداوند، «مشارت» شماست؛ که خداوند دانای آگاه است».* در این آیه، از زبان خداوند سبحان، ملاک فضیلت برای انسان ها در پیشگاه الهی، میزان پابندی آنان به ارزش های معنوی و اخلاقی تعیین شده و به نسبت ارزشمندی که تنوع و گوناگونی اقوام و ملت ها و تیره ها و نژادها، تنها برای شناسایی و آشنایی (تعارفوا) است و نه برای تباختن و فخرفروشی و اگر اندیشه قومیت گرایی افراطی یا همان قوم پرستی جایز در آموزه های اعتقادی و باورهای دینی ما داشت، شارع مقدس به جای تعبیر «تعارفوا» باید اندیشه «تفاخروا» استفاده می کرد. افتخار به خون و تبار و زبان، مبنای نژادپرستی و قومیت گرایی افراطی، در دنیای امروز است و این گرایش از اشکال و صورت های آشکار و متداول بت پرستی های عصر جدید به شمار می رود که جای خدایان پوшالی و الهه های دروغین دوران های گذشته را در اذهان و قلوب برخی انسان ها و گروه ها، گرفته است.

شاید خالی از لطف و بی ربط با موضوع نباشد که بگویم مشاهده در ارتباطات اجتماعی و برخوردهای رو در رو و نخستین دیدارها و گفت وگوها با افراد، کسی از اصالت نسب قومی و نژادی و هویت اعتقادی و دینی بنده، سؤال کرده و مثلاً پرسیده است که: شما از چه قوم، ترک یا کرد هستید یا مسلمان شیعه و اهل سنت یا گبر و ترسا می باشید؟ این جانب پاسخ خود را به همراه این جمله آغاز کرده ام که «سعی می کنم آدم باشم!» واقعیت این است که اصل، انسانیت و اخلاقی است و قوم و نژاد و زبان و مذهب و سایر وابستگی ها و خصوصیات اجتماعی و فرهنگی، فرع بر آن تلقی می شود. چنان که استاد سخن و شاعر بزرگ پارسی گوی، سعدی شیرازی گفته است:

تن آدمی شریف است به جان آدمیت	نه همین لباس زیباست نشان آدمیت
به حقیقت آدمی باش و گر نه مرغ باشد	که همی سخن بگوید به زبان آدمیت
رسد آدمی به جایی که به جز خدا نبیند	بنگر که تا چه حد است مکان آدمیت**

از آنجا که این مطالعه و پژوهش، ناظر به گذشته تاریخی و فرهنگی قروه، آن هم در محدوده بلوک اسفندآباد است، این جانب در برخی صفحات برای توصیف انگاره‌ها و و اثبات یا رد فرضیه‌های موجود، تاگزیر از ارجاع به متون و منابع تاریخی کردستان بوده‌ام و در این رهگذر، برخی ویژگی‌های بارز قومی و اجتماعی و محتضات و مسلمات تاریخی و فرهنگی این سرزمین را به نقل از این منابع موثق و معتبر عام، بدیهی است دامنه و شمول خانوارها و شهروندان قروه‌ای، امروزه بسیار گسترده‌تر از تعاریف این است که در چارچوب تاریخی بحث، ارائه شده است. جملات شاهد و عبارات و کلمات ارجاعی که به اسناد توصیف‌ها و تعریف‌های جامعه‌شناسانه و مردم‌شناسانه نویسندگان و مورخان مشهور و معروف منطقه، نقل منابع و متون معتبر و موثق تاریخ عمومی کردستان، در باره ویژگی‌های تاریخی و فرهنگی قروه، مناجات آغازین کتاب را زینت بخشیده است. ناظر به این معنا و در بردارنده ویژگی‌های سنتی و قومی قروه است که - توجه به حیلات جمعیتی دهه‌های اخیر، این ویژگی‌ها نیز دستخوش تغییر و تحول شده است. بنابر این مطابق شرایط جدید، تمامی ساکنان امروز قروه شامل اهالی ترک‌زبان و شیعه مذهب عرب‌گردزبان و شیعه‌مذهب، ساکنان کردزبان و سافعی‌مذهب، شهروندان فارس‌زبان با هر مذهبی و همچنین خانوارها و افراد فارس‌زبان، کردزبان و زوج‌های دو زبانی در کنار افراد ترک‌زبان در زمره اهالی قروه و شهروندان قروه‌ای، قرار می‌گیرند و میان آنان به لحاظ بهره‌مندی از حقوق اجتماعی و سیاسی و استفاده از امکانات و منابع اقتصادی و رفاهی و فرصت‌های علمی و آموزشی، هیچ‌گونه تفاوتی وجود ندارد.

علاوه بر این نباید فراموش کنیم همزیستی و هم‌زیستی مردم فارس‌زبان، ترک‌زبان و کردزبان قروه در طول دهه‌های گذشته در ابعاد مختلف فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی، قروه را به جامعه‌ای پویا و پرتحرک در مسیر توسعه و آبادانی آن و تحکیم پایه‌های سیاسی، اقتصادی، میهنی و وفاداری به ارزش‌های ملی و دفاع از مبانی وحدت اسلامی کشور مبذل ساخته است. بالاتر از آن همواره باید به یاد داشته باشیم که خون مردم کردزبان، ترک‌زبان و فارس‌زبان منطقه و اهالی قروه و سنی قروه، در دفاع از ارزش‌هایی بنیادین و منافع حیاتی و تمامیت ارضی کشور، به هم آمیخته است. بلور و تجلی بارز این وحدت و یگانگی میان اهالی شیعه، سنی، ترک، کرد و فارس شهرستان قروه را می‌توان در طول سال‌های جنگ و جهاد و حماسه دفاع مقدس و دفع تهاجم دشمن خارجی به مرزهای کشور مشاهده کرد که چنان خورشیدی تابان، همواره بر تارک تاریخ منطقه می‌درخشد و بر پهنه‌دشت این سرزمین اهورایی و جان و دل اهالی و ساکنان پاک‌باز آن، نور عشق و ایمان می‌پاشد.

امید است اساتید و صاحب‌نظران تاریخ و فرهنگ کشور و آگاهان و دانشوران محلی و علاقمندان به این‌گونه مباحث، با حسن نظر و حظّ بصر به این اثر پژوهشی بنگرند و با یادآوری و گوشزد کردن نقایص و کمبودها، خطاها و لغزش‌های آن، مرا با نظرات و اطلاعات تکمیلی و پیشنهادات سازنده و ارزشمند خود، کمک و راهنمایی فرمایند. سخن آغازین خود را در این دفتر، با توسّل به درگاه خدای خطاپوش و آفریدگار آمرزنده، از زبان عارف و شاعر بزرگ، حضرت مولانا جلال‌الدین رومی به پایان می‌برم.

از خدای پاک بی‌انبار و یار
یاد ده مرا سخن‌های رفیق
هم دعا از تو، ای دوست هم‌ز تو
گر خطا گفتیم اصلاح کن
کیمیا داری که تبدیل کنی
این چنین میناگری‌ها کار توست

دست‌گیر و جـرم ما را درگذار
که ترا رحم آورد آن‌ای رفیق
ایمنی از تو، مهابت هم‌ز تو
مصلحتی تو، ای تو سلطان سخن
گرچه جوی خون بود نیلش کنی
این چنین اکسیرها زاسرار توست***

محسن صالحی

۱۳۹۲/۵/۵

پی‌نوشت‌ها:

* قرآن کریم، با ترجمه و توضیحات استاد به‌الدین خرمشاهی، انتشارات جامی و نیلوفر، چاپ دوم، تهران:

۱۳۷۵، ص ۵۱۷.

** دیوان غزلیات سعدی (۲ جلد)، به کوشش دکتر خلیل خطیب‌رهبر، انتشارات مهتاب، چاپ هشتم، تهران:

۱۳۷۴، ج ۲، ص ۹۵۳.

*** برگزیده متون ادب فارسی، به اهتمام دکتر جلیل تجلیل و دیگران، مرکز نشر دانشگاهی، چاپ سی و

یکم، تهران: ۱۳۸۱، ص ۴.